

فصلنامه راهبرد سیاسی  
سال چهارم، شماره پیاپی ۱۴، پاییز ۱۳۹۹  
صفحات: ۲۱۶-۱۹۳  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷

## سیاست خارجی ایالات متحده در قبال مصر پس از کودتای السیسی

سید احمدرضا فیاضی\* / محمدرضا دهشیری\*\*

### چکیده

روابط استراتژیک ایالات متحده با مصر در زمان انور سادات بود که به اوج رسید و پس از مذاکرات صلح در کمپ دیوید (سپتامبر ۱۹۷۸) بود که همکاری‌های نظامی و اقتصادی مصر و آمریکا شدت گرفت و دو کشور روابط نزدیکی برقرار کردند. منافع ایالات متحده در مصر شامل تأمین امنیت اسرائیل و حفظ معاهده صلح ۱۹۷۹، مبارزه با تروریسم و کنترل بنیادگرایی، مقابله با توسعه نفوذ روسیه در مصر و منطقه خاورمیانه، حفظ دروازه ورود آمریکا به منطقه و رهبری آن بر جهان عرب و بهبود روابط دوجانبه به منظور حفظ ثبات و توازن قدرت در منطقه و همکاری‌های نظامی می باشد. سؤالی که نگارندگان پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با بکارگیری نظریه واقع‌گرایی تدافعی درصدد پاسخ به آن برآمده اند این است که سیاست خارجی آمریکا در قبال مصر پس از روی کار آمدن السیسی چگونه بوده است و آمریکا چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ در پاسخ می‌توان به این نکته اشاره کرد که سیاست خارجی آمریکا بهره‌برداری از کشور مصر در جهت منافع خود می‌باشد و رویکرد آمریکا دنبال کردن سیاستی دوگانه و همراه با تناقض بوده است؛ آمریکا از یک‌سو شعار دموکراسی خواهی می‌دهد از سویی دیگر به تأیید دولت السیسی پرداخت چراکه اولویت اول وی تضمین ثبات و آرامش، حفظ پیمان صلح با اسرائیل و حفظ جایگاه خود در مصر است. روابط ایالات متحده و مصر باهدف حفظ ثبات منطقه، حفظ معاهده صلح بین مصر و اسرائیل ۱۹۷۹ و بهبود روابط دوجانبه است.

### کلید واژه‌ها

کودتای السیسی، روسیه، آمریکا، مصر، سیاست خارجی.

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. (نویسنده

Fayazi.ahmadreza@gmail.com

مسئول)

\*\* استاد روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. mohammadreza\_dehshiri@yahoo.com



## مقدمه

مصر به عنوان یکی از بازیگران مهم خاورمیانه عربی همواره نقش مهمی در معادلات سیاسی و امنیتی خاورمیانه ایفا کرده است و از تأثیرگذاری اساسی در بین کشورهای عربی منطقه برخوردار است. از زمان سادات هم‌پیمانی استراتژیک مصر با ایالات متحده، بزرگ‌ترین پل ارتباطی این کشور با نظام بین‌الملل و مهم‌ترین مسیر این کشور برای دستیابی به منابع خارجی بوده است. مصر در ازای دریافت یارانه‌های اقتصادی، کمک نظامی و پیمان‌های امنیتی با آمریکا، یکی از درهای مهم جهان عرب را به روی آمریکا گشود. در این برهه مصر به‌عنوان نیرویی برای برقراری ثبات در مقابل بنیادگرایی ضد غرب عمل می‌کرد و نقشی اساسی در راضی کردن اعراب به پذیرفتن اسراییل ایفا می‌نمود (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۲۰۷). مصر به دلایل ژئوپلیتیک، جمعیت‌شناسی، تاریخ غنی، جمعیت قابل توجه ۹۰ میلیون عرب‌زبان، موقعیت منحصر به فرد کانال سوئز کشور مهمی برای منافع و امنیت ملی ایالات متحده است. گرچه ممکن است نقش و اهمیت سیاسی و نظامی مصر به اندازه گذشته آن نباشد اما مصر به دلایل تاریخی، فرهنگی و نقش رسانه‌ها و دانشگاه‌ها از هم‌چنان از موقعیت ویژه و تأثیرگذار در جهان عرب برخوردار است و قدرت نرم آن در جهان عرب قابل توجه است. علاوه بر این، پیمان صلح ۱۹۷۹ مصر با اسراییل یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماتیک آمریکا برای ارتقای صلح عرب و اسراییل به حساب می‌آید و به همین جهت آمریکایی‌ها در مورد آینده تحولات این کشور بیش از هر چیز نگران از هرگونه تهدید نسبت به قرارداد کمپ دیوید و امنیت اسراییل هستند. مقابله با تروریسم و کنترل بنیادگرایی، مقابله با توسعه نفوذ روسیه در مصر و بهبود روابط دوجانبه با مصر به جهت حفظ ثبات منطقه و توازن قدرت از دیگر اهداف ایالات متحده در مصر است.

تحولات عربی در سال ۲۰۱۱ فصل جدیدی در روابط مصر و آمریکا آغاز کرد. هرچند تا پیش از سال ۲۰۱۱ مصر به‌عنوان متحد استراتژیک آمریکا مطرح بود و حکومت ۳۰ ساله حسنی مبارک به‌عنوان مهم‌ترین متحد استراتژیک آمریکا و اسراییل شناخته می‌شد ولی تحولات سریع در ۵ سال گذشته سبب تیره‌وتار شدن روابط آمریکا و مصر شده است و ابهامات و سؤالات زیادی را پیش روی کارشناسان قرار داده است. ایالات متحده آمریکا در واکنش به حوادث پرآشوب سال‌های گذشته در مصر یک سیاست محتاطانه و اغلب نامشخص اتخاذ کرده است. این رویکرد به دلیل پیچیدگی ماهیت انتقال قدرت سیاسی در مصر و همین‌طور پویایی قدرت در منطقه خاورمیانه است. به عبارتی دیگر رویکرد آمریکا به مصر پس از کودتا دنبال

کردن سیاستی دوگانه و همراه با تناقض بوده است. در حالی که تا پیش از این رویکرد آمریکا مبتنی بر حمایت از آزادی خواهی، اصلاحات و تأکید بر فرآیندهای دموکراتیک بوده است ولی پس از کودتا با چرخش در سیاست خود، به صورت فرصت طلبانه تا حدودی از کودتا حمایت کرد و آن را در راستای اهداف دموکراتیک دانسته است. آمریکا به دنبال تضمین ثبات و آرامش، حفظ پیمان صلح با اسرائیل و حفظ جایگاه خود در مصر است چراکه مصر از جهات متعددی در جهان اسلام، جهان عرب، افریقا و خاورمیانه کشوری مهم و استراتژیک است. با توضیحات فوق این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال است که با در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه مصر در سیاست خارجی آمریکا، این کشور چه رویکردی را نسبت به مصر پس از روی کار آمدن السیسی به کار گرفته‌اند و چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

#### چهار چوب نظری:

به نظر می‌رسد جامع‌ترین نظریه‌ای که بتوان برای تبیین سیاست خارجی ایالات متحده در قبال مصر به کار بست و موضوعات و مسائل مختلف را از طریق آن بررسی کرد، نظریه رئالیسم تدافعی است. بر اساس تقسیم‌بندی جک اسنایدر رئالیسم تدافعی و رئالیسم تهاجمی دوشاخه از نظریه رئالیسم نوکلاسیک می‌باشند. نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک در تبیین و تحلیل سیاست خارجی کشورها بسیار کاربردی است، زیرا برخلاف تئوری واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی در کنار تحلیل ساختاری به مؤلفه‌های دیگری همچون ساختار دولت و فهم رهبران از نظام بین‌الملل نیز تکیه دارد.

واقع‌گرایی تدافعی از دل نوواقع‌گرایی بیرون آمده است. جک اسنایدر و استفن والت مهم‌ترین واقع‌گرایان تدافعی محسوب می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۴). واقع‌گرایی تدافعی مانند نوواقع‌گرایی بر این فرض قرار دارد که دولت‌ها نه به دنبال قدرت بلکه به دنبال تأمین امنیت هستند و تمایل آن‌ها به توسعه نفوذشان نه از قدرت‌طلبی بلکه از احساس ناامنی سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، دولت‌ها زمانی که احساس ناامنی فزاینده‌ای می‌کنند به توسعه منافع سیاسی خود می‌پردازند (Zakaria, 1998:21). برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه دولت‌ها که این را در می‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و

این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معضله امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود (قوام، ۱۳۹۳: ۱۳۳). به‌علاوه آن‌ها آنا‌رشی بین‌المللی را هابزی و یا بدخیم نمی‌بینند، بلکه بر آن اند که نمی‌توان آن را به سهولت فهمید و این دولت مردان‌اند که باید در هر وضعیت خاصی به ارزیابی درجه تهدید و یا عدم آن پردازند (Rose, 1998:152).

بر مبنای نظریه‌های واقع‌گرایانه، سیاست خارجی تهاجمی واقع‌گرا در پی افزایش قدرت نسبی در صحنه نظام بین‌الملل است. بر این اساس، ماهیت هرج‌ومرج گونه‌ی نظام بین‌المللی به شکلی است که دولت‌ها همواره در پی افزایش قدرت نسبی خودند و در این روند سعی می‌کنند تا قدرت رقبایشان را کاهش دهند. در مقابل، سیاست خارجی تدافعی واقع‌گرا فقط خواهان افزایش امنیت نسبی دولت‌ها در صحنه‌ی نظام بین‌الملل است. بر این اساس، دولت‌ها فقط افزایش امنیت را می‌خواهند و تنها زمانی در جهت گسترش نفوذ و قدرت خود تلاش می‌کنند که احساس ناامنی کنند. از این لحاظ، حضور دولت‌ها در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۳). به‌عبارت‌دیگر دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بنابراین امنیت در نگاه تدافعی‌ها برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه. تا جایی که موازنه برقرار است امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد کشورها بایستی جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دست‌یابی به موازنه جدید نمایند (نوروزی، ۱۳۹۰).

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان سیاست خارجی ایالات‌متحده آمریکا را از منظر واقع‌گرایی تدافعی بررسی کرد. در رئالیسم تدافعی، دغدغه امنیت اساسی‌ترین مسئله است. به‌عبارت‌دیگر نگاه رئالیست‌های تدافعی نیز نگاهی کاملاً امنیتی است و در کنار رئالیسم تهاجمی، مطالعات روابط بین‌الملل را به سمت امنیتی شدن سوق داده و در واقع این دو رویکرد درصد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنا‌رشیک بین‌المللی برآمدند. سؤال اصلی برای این گروه از رئالیست‌ها این است که چه مقدار از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ و یا اصولاً دولت‌ها چه زمانی بایستی به بیشینه‌سازی قدرت روی آورند. پاسخ‌هایی که به این پرسش داده‌شده این دو نحله رئالیستی را متمایز ساخته است. سیاست خارجی آمریکا در قبال مصر نیز مبتنی بر منافع آمریکا است. علی‌رغم اینکه آمریکا همواره رویکرد حقوق بشری داشته و مروج آرمان دموکراسی و ارزش‌های لیبرالی در منطقه بوده ولی بعد از روی کار آمدن السیسی از طریق کودتا به دلیل

منافع خود در حفظ امنیت و ثبات منطقه بارویکردی دوگانه رژیم سیسی را پذیرفت. سیاست او با ما در پس از چرخش به سمت شرق آسیا تنها حفظ ثبات و پایداری روابط ایالات متحده و مصر در هر شرایطی بدون توجه به نوع حاکمان مصر و ارزش‌های لیبرالی مبتنی بر دموکراسی خواهی بوده است. سیاست او با ما خصوصاً در مورد کشورهای متحد خود در خاورمیانه مبتنی بر عدم دخالت بوده همان‌طور که والتز معتقد است، ساختار آنارشیستی نظام بین‌الملل، دولت‌ها را برای دستیابی به امنیت بر اتخاذ سیاست‌های معتدل، میانه روانه و محتاطانه تشویق می‌کند. به اعتقاد واقع‌گرایان سلسله قواعد اخلاقی و سیاسی که در سیاست داخلی به کار می‌رود لزوماً قابل اطلاق در عرصه سیاست بین‌الملل نیست (مشیر زاده، ۱۳۹۴: ۸۱). همچنین از دیدگاه واقع‌گرایانه شومان، ارزش اصول اخلاقی صرفاً تبلیغاتی یا در مواردی است که این اصول با قدرت ملی هماهنگ باشد (قوام، ۱۳۹۳: ۸۹). از نظر مورگنتا نیز اخلاق در سیاست خارجی جایی ندارد، ایدئولوژی و اخلاق پوشش‌هایی برای پنهان کردن واقعیت سیاست قدرت هستند. مورگنتا معتقد است واقع‌گرایی ضد اخلاق نیست بلکه اخلاق سیاسی با اخلاق فردی تفاوت دارد و در عرصه سیاست، معیار ارزیابی رفتار اخلاقی، بر اساس پیامد است نه نیت (قوام، ۱۳۹۳: ۱۰۲). بنابراین اتخاذ سیاست دوگانه آمریکا در قبال مصر از منظر واقع‌گرایی قابل توجیه است. گفتمان عمومی پیرامون سیاست خارجی در ایالات متحده آمریکا همواره به زبان لیبرالیسم ادا می‌شود، در نتیجه اظهارات نخبگان سیاسی به شدت رنگ و بوی خوش‌بینانه و اخلاقی دارند اما این سیاست‌های هیچ‌وقت پایدار نبوده و همیشه قربانی منافع آمریکا شده‌اند.

### اهداف و منافع آمریکا در مصر

مصر به دلایل ژئوپلیتیک، جمعیت‌شناسی، تاریخ غنی، جمعیت قابل توجه ۹۰ میلیون عرب زبان، موقعیت منحصربه‌فرد کانال سوئز و ... کشور مهمی برای منافع و امنیت ملی ایالات متحده است. گرچه ممکن است نقش و اهمیت سیاسی و نظامی مصر به اندازه گذشته آن نباشد اما مصر به دلایل تاریخی، فرهنگی و نقش رسانه‌ها و دانشگاه‌ها همچنان از موقعیت ویژه و تأثیرگذار در جهان عرب برخوردار است و قدرت نرم آن در جهان عرب قابل توجه است. علاوه بر این، پیمان صلح ۱۹۷۹ مصر با اسرائیل یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماتیک آمریکا برای ارتقای صلح عرب و اسرائیل به حساب می‌آید و به همین جهت آمریکایی‌ها در مورد آینده تحولات این کشور بیش از هر چیز نگران از هرگونه تهدید نسبت به قرارداد کمپ دیوید و

امنیت اسرائیل هستند. مقابله با تروریسم و کنترل بنیادگرایی، مقابله با توسعه نفوذ روسیه در مصر و بهبود روابط دوجانبه با مصر به جهت حفظ ثبات منطقه و توازن قدرت از دیگر اهداف ایالات متحده در مصر است که در ادامه به آن اشاره خواهد رفت.



رسم توضیحی ۴-۲-منافع ایالات متحده در مصر

#### الف) تأمین امنیت اسرائیل و حفظ معاهده صلح ۱۹۷۹

اسرائیل نقش بسیار مهمی در نوع و کیفیت روابط مصر و ایالات متحده داشته است به گونه‌ای که تا وقتی که روابط مصر و اسرائیل روابطی خصومت‌آمیز بود، رابطه آمریکا با مصر نیز رابطه‌ای تیره‌وتار بود و از زمانی که مصر به دنبال حل مسئله اعراب و رژیم اشغالگر قدم برداشت، روابطش با آمریکا نیز تقویت شد. در نتیجه همکاری مصر با موافقت‌نامه‌های آتش‌بس ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۵، سفر رئیس‌جمهور سادات به اورشلیم در سال ۱۹۷۷، توافقنامه کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ و پیمان صلح بین مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹، سیاست مصر در مورد اسرائیل از خصومت به همکاری تغییر کرد و همین امر موجب بهبود روابط مصر با آمریکا شد. در ابتدا، مواضع دوستانه ایالات متحده در قبال مصر به نظر می‌رسید به جهت تضمین امنیت اسرائیل و معاهده صلح مصری-اسرائیلی است، اما به مرور این روابط تکامل یافت و فراتر از ارتباطی محدود به جهت امنیت اسرائیل و به سوی یک رابطه دوجانبه مستقل و پایدار پیش رفت.

تأمین امنیت اسرائیل یکی از مهم‌ترین اهداف و منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه است. قاهره یکی از بازیگران کلیدی در اجتناب از یک درگیری دیگر فلسطینی- اسرائیلی است و با توجه به قدرت نرم مصر در جهان عرب نقش مهمی در حفظ روند صلح اسرائیل-فلسطین، ایفا می‌کند. هرگونه تغییر در معادلات قدرت در مصر و تغییر در وضع موجود ممکن است تهدیدی نسبت به امنیت و موجودیت رژیم صهیونیسم محسوب شود، بنابراین استراتژی آمریکا حفظ وضع موجود و حفظ ثبات در منطقه است.

### ب) مبارزه با تروریسم و کنترل بنیادگرایی

همکاری‌های مصر و آمریکا منحصر به همکاری نظامی نبوده دو کشور در زمینه مبارزه با تروریسم با یکدیگر همکاری داشته‌اند. ایالات متحده مصر را در مبارزه با تروریسم در شبه‌جزیره سینا حمایت کرده و کمک‌های نظامی و اطلاعاتی از جمله تصاویر ماهواره‌ای و هواپیماهای بدون سرنشین و رهگیری تلفن همراه و ارتباطات دیگر در مورد فعالیت‌های تروریست‌ها در صحرای سینا را در اختیار مصر قرار می‌دهد. هرچند پیمان صلح ۱۹۷۹ میان مصر و اسرائیل محدودیت حضور نظامی مصر را در شبه‌جزیره سینا قائل شده است، اما در سال‌های اخیر اسرائیل موافقت کرده که مصر نیروهای بیشتری را در آنجا مستقر کند تا با قاچاق سلاح از سوی مسلمانان فلسطینی و سایر ستیزه جویان مبارزه کند (Al-akhbar, 2012). آمریکا و مصر به گسترش این همکاری‌ها برای مبارزه با افراطیون شبه‌جزیره سینا که خصوصاً اقدامات آن‌ها پس از برکناری دولت اخوان المسلمین مرسی تشدید شده است در سال‌های آینده متعهد شده‌اند. در همین زمینه تیلرسون در کنفرانس خبری با سامح شکرى همتای خود افزود: ما در مورد همکاری نزدیک خود برای مبارزه با تروریسم از جمله تعهد دوجانبه درنبرد با خلافت اسلامی توافق کرده‌ایم (ROHAN, 2018).

از زمان سرنگونی رژیم مبارک رژیم اشغالگر بارها نسبت به ناامنی این منطقه ابراز نگرانی کرده و این نگرانی را به دولت مصر هم‌بارها گوشزد کرده است. شبه‌جزیره سینا به دلیل نزدیکی با سرزمین‌های اشغالی همواره یکی از دغدغه‌های امنیتی اسرائیل بوده است. وجود گروه‌های سلفی و تکفیری خطری جدی برای موجودیت و امنیت رژیم صهیونیستی است. گروه تروریستی داعش خصوصاً پس از شکست‌هایش در سوریه و عراق در حال انتقال نیروهای خود به شبه‌جزیره سینا و لیبی است بر همین اساس برخی تحلیل‌گران بر این باورند که آمریکا و

اسرائیل به بهانه عدم توانایی مصر در مقابله با این گروه‌ها در حال فراهم کردن زمینه‌ای برای حضور نظامی آمریکا در شبه‌جزیره سینا هستند.

### ج) مقابله با توسعه نفوذ روسیه در مصر و منطقه خاورمیانه

از انقلاب ۱۹۵۲ که جمال عبدالناصر و حامیانش به قدرت رسیدند تا توافقنامه کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ در حدود ۲۵ سال، مصر موضوع رقابت شدید و نفوذ دو ابرقدرت ایالات متحده و شوروی بود. اما در دوران جانشین ناصر، انور سادات در دهه ۱۹۷۰ مصر به سمت مدار آمریکا حرکت کرد و عملاً پس از توافقنامه کمپ دیوید، مصر به‌عنوان یکی از قابل‌اعتمادترین شرکای منطقه‌ای آمریکا تبدیل شد. شوروی پس از فروپاشی در دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ کمتر نقشی در منطقه خاورمیانه به‌ویژه مصر داشت. باروی کار آمدن پوتین و به‌ویژه در دور دوم ریاست جمهوری وی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه فعال شد و مصر با توجه به موقعیت ویژه آن در منطقه خاورمیانه مورد توجه روسیه قرار گرفت. هرج‌ومرج ناشی از تحولات عربی سال ۲۰۱۱ راه را برای نقش‌آفرینی روسیه هموار کرد تا از شرایط آشفته منطقه خاورمیانه برای کسب اعتبار و پرستیژ خود نهایت استفاده را ببرد. کاهش رابطه آمریکا با مصر نفوذ روسیه را در منطقه تقویت می‌کند و این مهم موجب برهم خوردن توازن قدرت به ضرر آمریکا خواهد شد.

آمریکا از سویی نسبت به کودتا و اقدامات خشونت‌آمیز و ضد حقوق بشری السیسی ابراز نگرانی کرده و از سویی دیگر نگران رانده شدن مصر در آغوش روسیه است. روس‌ها پس از برکناری مرسی و روی کار آمدن السیسی شرایط را برای تقویت بیشتر روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی مناسب دیده‌اند و به دنبال احیای اتحاد قدیمی خود با مصر می‌باشند. اوضاع فعلی برای توسعه روابط از هر زمان دیگری مناسب‌تر است و رهبران دو کشور مشتاق به توسعه روابط هستند. همکاری‌های روسیه و مصر در زمینه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، بازرگانی، سرمایه‌گذاری نظامی و... در حال شکل گرفتن است و آمریکا نسبت به این موضوع احساس نگرانی دارد.

### د) مصر دروازه ورود آمریکا به منطقه و رهبری آن بر جهان عرب

مصر با توجه به تاریخ غنی و ظرفیت‌های تمدنی، همواره کشوری پیشگام و پیشرو در دنیای عرب بوده است به‌گونه‌ای که کشورهای دیگر عربی به‌شدت تحت تأثیر تحولات آن و دنباله‌رو مصر بوده‌اند. به‌عنوان مثال در گذشته به دنبال خرید سلاح و روابط نظامی مصر با شوروی برخی از کشورهای عربی نیز دست به این اقدام زدند. در ملی کردن منافع خارجی در



اصلاحات ارضی و موارد دیگر مصر الگوی کشورهای عربی بوده است. مصر مرکز ثقل جهان عرب است و هر آنچه در مصر می‌گذرد نتیجه بنیادی در جهان عرب خواهد داشت. با توجه به نقش محوری مصر در خاورمیانه و اهمیت سیاسی، نظامی، جغرافیایی و فرهنگی آن در جهان عرب نقش مصر در آینده تحولات این منطقه پررنگ است. از زمانی که سادات با آمریکا روابط ویژه برقرار کرد آمریکا جهان عرب را از نو تصاحب کرد و سیاست گرایش به غرب بین اعراب شکل گرفت. آمریکا تمایل دارد که رویکرد ملایم و معتدل در جهان عرب حاکم باشد، همچنین تلاش آمریکا این است که نقش عنصر ایدئولوژی و جریان‌های اسلامی را در تحولات این منطقه کم‌رنگ کند. روابط آمریکا با مصر به‌عنوان بازیکر کلیدی منطقه سبب تقویت موقعیت آمریکا و نقش منطقه‌ای آن شده است. بر همین اساس مصر مهم‌ترین دروازه ورود آمریکا به منطقه و رهبری آن بر جهان عرب است.

#### ر) بهبود روابط دوجانبه به جهت حفظ ثبات و توازن قدرت در منطقه و همکاری‌های نظامی

حفظ ثبات در مصر از مهم‌ترین اولویت‌ها و منافع ایالات متحده در مصر است به همین دلیل ایالات متحده از تمام دولت‌هایی که در مصر قدرت را در دست گرفتند حمایت کرده است، از دولت مبارک تا دولت طنطاوی و دولت اخوان المسلمین مرسی و اکنون السیسی. هرچند کارنامه السیسی در چهار سال گذشته نشانی از بهبود وضعیت مصر ندارد و خصوصاً در بخش اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است، اما ایالات متحده به حمایت کورکورانه خود از مصر ادامه می‌دهد و چراکه بیش از هر چیز به ثبات داخلی مصر اهمیت می‌دهد و استراتژی آمریکا در منطقه حفظ وضع موجود است. از سویی دیگر با توجه به اینکه ارتش مصر در حدود ۶۰ درصد از اقتصاد را کنترل می‌کند و با فروپاشی اقتصاد مصر قطعاً ثبات و امنیت مصر مجدداً خدشه‌دار می‌شود آمریکا روابط خود با ارتش مصر را حفظ کرده است، هرچند در ابتدا اقدام به حرکاتی نمادین همچون کاهش کمک‌های مالی کرد اما این اقدامات در حد نمایش دموکراسی خواهی باقی ماند.

پایه و اساس رابطه ایالات متحده و مصر، روابط امنیتی است که دو کشور را به هم متصل می‌کند. موقعیت جغرافیایی مصر بین دو قاره، وزن جمعیت آن در جهان عرب، نفوذ فرهنگی و سیاسی آن و حضور آن در مرز اسرائیل از دلایل اهمیت مصر برای آمریکا است (Alterman, 2016: 3). در واقع یکی دیگر از دلایل حفظ روابط حسنه بین ایالات متحده و مصر، همکاری‌های

دفاعی در مقابله با تهدیدات یا تجاوز دیگر کشورهای منطقه است، همان‌طور که در سال ۱۹۹۱ شاهد مشارکت فعال مصر در آزادسازی کویت و همکاری نظامی مصر با نیروهای ایالات‌متحده در حمله ۲۰۰۳ به عراق دیده شد. همکاری‌های نظامی بین ایالات‌متحده و نیروهای مسلح مصر در عملیات مشترک به نام ستاره درخشان<sup>۱</sup> که از سال ۱۹۸۱ بعد از معاهده صلح آغاز شد، راه را برای دفاع از شبه‌جزیره عربستان در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ عملیات طوفان صحرا<sup>۲</sup> آماده کرد (Sharp, Egypt-United States Relations, 2005: 2). آمریکا و مصر از سال ۱۹۸۱ هر دو سال یک‌بار اقدام به برگزاری مبارزه مشترک ستاره درخشان می‌کردند، این مبارزه مشترک نظامی پس از قیام مردم مصر و درنهایت سرنگونی حسنی مبارک رئیس‌جمهور سابق این کشور در سال ۲۰۱۱ به دلیل ناآرامی‌های سیاسی بعد از آن متوقف شده و مجدداً در سال ۲۰۱۷ این عملیات انجام شد. ایالات‌متحده با توجه به منافع حیاتی در خاورمیانه از طریق روابط با مصر خصوصاً روابط ویژه با نظامیان مصر در تلاش برای حفظ ثبات و امنیت و حفظ توازن قدرت به نفع خود است.

### رویکرد آمریکا در قبال تحولات مصر و کودتای السیسی

هرچند در زمان مبارک آمریکا و مصر از روابط حسنه‌ای برخوردار بودند ولی در پی ۱۸ روز تظاهرات عمومی در مصر، دولت اوباما در ۲۵ نوامبر از روی ناچاری توصیه به رئیس‌جمهور حسنی مبارک مبنی بر استعفای وی و سپردن کنترل کشور به ارتش را پیشنهاد کرد. دولت اوباما در بیانیه کاخ سفید خواهان هر چه سریعتر انتقال قدرت به یک دولت غیرنظامی و دموکراتیک شد تا در اسرع وقت به آرمان‌های مشروع مردم مصر پاسخ دهد (El Deeb, 2011). حذف مبارک یکی از مهم‌ترین تصمیمات سیاست خارجی دولت اوباما بود؛ زیرا حمایت ایالات‌متحده از مصر از زمان انور سادات به‌عنوان امری حیاتی تلقی می‌شد و هرگز از آن تخطی نشده بود. اوباما مبارک را مجبور به انتقال قدرت کرد تا آغازی بر آنچه وی گذار به یک کشور دموکراتیک تر و پایدار می‌دانست، باشد. این اقدام اوباما از نظر بسیاری از تحلیل‌گران رها کردن یک متحد قابل‌اعتماد و فراهم کردن بستری برای روی کار آمدن گروه‌های اسلام‌گرا از طریق انتخابات بود. آمریکا در برابر اعتراضات گسترده مردمی چاره‌ای جز رها کردن متحد

<sup>1</sup> Bright Star

<sup>2</sup> Desert Storm

نزدیک و دیرینه ای که همواره منافع ایالات متحده را در منطقه تأمین می‌کرد، نداشت. این اقدام آمریکا ممکن بود نقش بین‌المللی خود در منطقه، حفاظت از منافع، توانایی تأثیرگذاری و شکل دهی به تحولات آینده منطقه را برای آمریکا کاهش دهد.

اما با روی کار آمدن اخوان المسلمین مشخص شد ظهور دولت اسلام‌گرا چندان در تضاد با منافع آمریکا در منطقه نیست. رهبران اخوان المسلمین به آمریکا نزدیک شدند و مرسی پیمان صلح با اسرائیل را حفظ کرد و حتی یک آتش‌بس مفید را بین اسرائیل و حماس در غزه ایجاد کرد و همچنین به همکاری‌های نظامی با آمریکا ادامه داد و رویکردی منفی نسبت به جریان مقاومت به محوریت ایران نشان داد و در مورد سوریه هم در جبهه مخالفین اسد قرار گرفت. اما ناتوانی حزب آزادی و عدالت در مدیریت کشور مصر و ادامه ناامنی‌ها، مشکلات اقتصادی و نادیده نگاشتن شرکت اقشار گوناگون و پیروان مذاهب مختلف در انقلاب مصر منجر به اعتراض‌های مجدد خیابانی شد. در کمتر از یک سال و چند روز پیش از اولین سالگرد تحلیف محمد مرسی، موج جدیدی از اعتراضات علیه مرسی به نام جنبش تمرد با جمعیتی حدود ۲۸ میلیون نفر به خیابان‌ها آمدند و خواهان کناره‌گیری مرسی از قدرت شدند. هفت تن از وزرای مرسی در همراهی با این اعتراضات استعفا نمودند و نظامیان از وضعیت پیش‌آمده سوءاستفاده کرده و رئیس ارتش مصر (عبدالفتاح السیسی) با یک کودتا مرسی را برکنار و قدرت را به دست گرفت. با توجه به آن که مصر از گذشته تحت نفوذ آمریکا قرار داشته است و رابطه ارتش مصر و آمریکا رابطه‌ای نزدیک و طولانی‌مدت بوده است، برخی ناظران بین‌المللی از دست‌های پنهان آمریکا در تحولات اخیر مصر و برکناری محمد مرسی سخن گفته‌اند. هرچند آمریکا از ابتدا اخوان را پذیرفته بود اما با انجام کودتای السیسی علیه مرسی مخالفتی نکرد. او با ما که تا پیش از این همواره مروج دموکراسی در مصر پس از مبارک بود و بارها در سخنانش از دموکراسی خواهی مردم و جوانان مصر دفاع کرده بود و خواسته مشروع آن‌ها را دموکراسی دانسته بود و اعلام کرده بود که تنها مصر دموکراتیک می‌تواند نقش خود را نه تنها در منطقه بلکه در سراسر جهان پیشرفت دهد پس از کودتای مصر رفتار متناقض و دوگانه داشته است. آمریکا از به‌کارگیری واژه کودتا درباره آنچه در مصر رخ داده اجتناب کرد و به‌صورت تلویحی به تأیید دولت السیسی پرداخت. تعلل دولت آمریکا در استفاده از واژه کودتا باعث شده که طرفداران مرسی، آمریکا را به همدستی با کودتاچیان متهم کنند.

### سیاست خارجی جدید آمریکا در قبال مصر پس از کودتا

سیاست خارجی آمریکا معمولاً باثبات، پایداری و تداوم و استمرار وضعیت توصیف می‌شود (Kleistra & Mayer, 2011: 383). همچنین هرگونه تغییر ممکن است منجر به بی‌ثباتی و برهم خوردن نظم موجود شود. روابطی که میان ملتها برقرار است بر اساس الگوهای رفتاری شکل گرفته که هنگامی که این الگوها شکسته شوند، قطع و یا معکوس شوند، اثرات آن را می‌توان در سراسر سیستم احساس کرد، که ممکن است منجر به ایجاد منازعه و عدم اطمینان بیشتر بین کشورهای متأثر از تغییرات عمده در وضعیت موجود شود (Hermann, 1990: 4). هالستی موارد بسیاری را توضیح داده‌اند که تغییر سیاست خارجی می‌تواند جنگ و تنش‌های بزرگی در نظام بین‌الملل ایجاد کند (Holsti, 1982: 215). بر همین اساس پس از آشفتگی و تحولات پی‌درپی در مصر و بعد از کودتای السیسی آمریکا تصمیم بر حمایت از قدرت موجود در مصر گرفت، هرچند تائید کودتای مصر در تضاد با دموکراسی خواهی آمریکا و ارزش‌های لیبرالی آنها بود ولی آمریکا منافع خود را تضمین ثبات و آرامش در این کشور می‌داند.

الیزابت شرود رندال استاد ارشد بخش روابط با متحدین شورای روابط خارجی معتقد است حفاظت و پیشبرد منافع امنیت ملی ایالات متحده نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر از همیشه آمریکا بر متحدین خود است. در محیط امنیتی به‌شدت پیوسته قرن بیست و یکم است که امنیت همه کشورها به یکدیگر گره خورده است، متحدین ابزار بسیار مهمی برای پیشبرد امنیت ملی آمریکا هستند. هدف اتحاد در سیاست امنیت ملی ایالات متحده باید چهار چیز باشد: تولید قدرتهایی که بتوانند موضع آمریکایی را تقویت کنند؛ ایجاد مبناهایی برای مشروعیت استفاده از قدرت آمریکا؛ جلوگیری از انگیزش‌ها و تحرک‌هایی برای مقابله با قدرت آمریکا؛ و اجتناب از بی‌تفاوتی استراتژیک شرکای خود یا اعتماد به نفس بیش از حد آنها (Sherwood, 2006: 5). در منطقه خاورمیانه اتحادیه‌ها از زمان وقوع پس از جنگ جهانی دوم، بخش مهمی از نظم امنیتی ایالات متحده بوده‌اند. آمریکا در دهه ۱۹۸۰، یک دسته جدید از اتحادها را به نام متحدان عمده غیر ناتو<sup>۱</sup> (MNNA) ایجاد کرد که عمدتاً به‌منظور تسریع انتقال سلاح و تسهیل همکاری‌های نظامی بود. کشورهای MNNA شامل افغانستان، آرژانتین،

<sup>1</sup> major non-NATO allies

بحرین، مصر، اسرائیل، اردن، کویت، مراکش، نیوزیلند و پاکستان بودند (Murphy, 2017: 21). مصر در خاورمیانه از جمله مهم‌ترین متحدین آمریکا بوده که ایالات متحده دارای منافع پایدار در مصر به‌عنوان یکی از متحدین غیر ناتو است. این منافع شامل حفظ ثبات منطقه، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، جلوگیری از درگیری‌های منطقه‌ای، مقابله با گسترش افراط‌گرایی اسلامی و مبارزه با تروریسم است.

آمریکا از تیرگی روابط با مصر اجتناب می‌کند و نگران از دست دادن منافع خود در منطقه و مصر است و می‌داند که تضعیف رابطه با مصر هزینه‌هایی را به دو طرف تحمیل می‌کند. امنیت رژیم صهیونیستی، پیشبرد اهداف منطقه‌ای آمریکا، دسترسی به فضای هوایی مصر، اولویت‌بندی کشتی‌های دریایی ایالات متحده برای عبور از کانال سوئز و فروش سلاح از جمله دلایلی است که آمریکا حاضر نیست به‌سادگی از مصر چشم‌پوشد و آن را نادیده بگیرد. در کودتای جولای ۲۰۱۳ دولت اوباما درحالی‌که به دنبال حمایت از جهان‌گرایی ارزش‌های لیبرالیستی بود و آن را مدعایی برای مداخله در کشورهای منطقه می‌دانست عملاً نتوانست از کودتا و رهبر نظامی آن حمایت نماید؛ لذا تاکتیک انتظار در پیش‌گرفته شد تا السیسی بتواند با اهتمام به اوضاع داخلی و منطقه‌ای، وضعیت را به حالت عادی برگرداند در این موقعیت با پذیرش کودتا از سوی جامعه بین‌الملل، هزینه مشروعیت آن برای آمریکا کم می‌شد (عالیشاه، ۱۳۹۶). هرچند کارنامه السیسی در چهار سال گذشته نشانی از بهبود وضعیت مصر ندارد و خصوصاً در بخش اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است، اما ایالات متحده به حمایت کورکورانه خود از مصر ادامه می‌دهد. ایالات متحده از همه دولت‌های مصر که به قدرت رسیده‌اند حمایت کرده است. از دولت مبارک تا دولت طنطاوی و دولت اخوان المسلمین مرسی و اکنون السیسی آمریکا برای حفظ وضع موجود و نگرانی از توسعه نفوذ روسیه، ایران و جریان‌های اسلام‌گرا تنها راه موجود را به رسمیت شناختن رژیم السیسی می‌داند و از تحمیل فشار بیش‌از حد به رژیم السیسی پرهیز می‌کند.

## رویکرد دوگانه آمریکا نسبت به دموکراسی و حقوق بشر

### وضعیت حقوق بشری مصر

درحالی‌که مرسی پس از روی کار آمدن نوید بازگشت ثبات و آرامش مجدد به مصر را داده بود اما باگذشت زمان وضعیت حقوق بشر در مصر بدتر و اقدامات خشونت‌آمیز توسط گروه‌های

مسلح و دولت افزایش یافت. مهم‌ترین مسائل مربوط به حقوق بشر، استفاده بیش از حد از نیروی نظامی و سرکوب آزادی‌های مدنی بود. استفاده بیش از حد از نیروی زور شامل قتل و شکنجه غیرقانونی است و مشکلات آزادی‌های مدنی شامل محدودیت‌های اجتماعی و دولتی بر آزادی بیان و رسانه‌ها، و همچنین آزادی‌های مجمع و انجمن‌ها و NGOها در قانون و عمل است (EGYPT 2016 HUMAN RIGHTS REPORT, 2016). گروه‌های حقوق بشر می‌گویند که بیش از ۴۰,۰۰۰ مصری در دو سال گذشته به اتهامات سیاسی زندانی شده‌اند و ظرفیت زندان‌ها و ایستگاه‌های پلیس را مختل کرده‌اند. برخی از ناظران معتقدند که ۶۰,۰۰۰ زندانی سیاسی در سال ۲۰۱۶ در زندان هستند (Middleeastmonitor, 2016). فعالان لیبرال، سکولار و همچنین اسلام‌گرایان همچون اخوانی‌ها از جمله زندانیان سیاسی هستند.

بر اساس گزارش سالانه موسسه شبه‌دولتی شورای ملی حقوق بشر (NCHR)<sup>۱</sup> که در ماه مه سال ۲۰۱۵ منتشر شد تنها در روز ۱۴ اوت نزدیک به ۹۰۰ نفر طی عملیات امنیتی برای سرکوب اعتراض‌ها در قاهره کشته شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از مرگ ۲۶۰۰ نفر از جمله ۷۰۰ پرسنل امنیتی، ۱۲۵۰ هوادار اخوان المسلمین و ۵۵۰ غیرنظامی دیگر در سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ بوده است. مقامات از ژوئیه ۲۰۱۳ تا ماه مه ۲۰۱۴، دست‌کم ۴۱ هزار نفر را دستگیر و محاکمه کرده‌اند. بر اساس این گزارش زندان‌ها با ظرفیت ۱۶۰ درصد و ایستگاه‌های پلیس با ظرفیت حدود ۳۰۰ درصد در حال نگهداری بازداشت‌شدگان است. مقامات همچنین از امکانات غیررسمی، از جمله پایگاه‌های نظامی و سایت‌های امنیتی برای نگهداری زندانیان استفاده می‌کنند و شکنجه و بدرفتاری در این بازداشتگاه‌ها بسیار گزارش شده است (HRW, 2015). سازمان‌های حقوق بشر مصری حداقل ۱۲۴ مورد مرگ را از ماه اوت ۲۰۱۳ ثبت کرده که به علت سهل‌انگاری در مسائل پزشکی، شکنجه یا بدرفتاری مأمورین کشته شده‌اند. اداره پزشکی قانونی وزارت دادگستری در دسامبر ۲۰۱۴ اعلام کرد که حداقل ۹۰ نفر در سال جاری در ادارات پلیس تنها در استان‌های قاهره و گیزا جان خود را از دست دادند. حداقل سه عضو مجلس سابق اخوان المسلمین در زندان کشته شده‌اند (HRW, 2015).

فعالان برجسته حقوق بشر مصر، گروه‌هایی مانند سازمان عفو بین‌الملل و دیده بان حقوق بشر گفته‌اند که این بدترین سرکوب‌های دولت در دهه‌های گذشته است، با اشاره به ناپدید شدن برخی از متهمین، وجود ۶۰ هزار زندانی سیاسی در زندان‌های سراسر کشور، کشتار

<sup>1</sup> National Council for Human Rights

غیرقانونی توسط دولت و همچنین تعداد ۱۰،۰۰۰ زندانی که حتی هنوز به محاکمه نرسیده‌اند. به گفته کارشناسان در حال حاضر مصر با بدترین شرایط حقوق بشری از دهه ۱۹۸۰ روبه‌رو است (GIOVANNI, 2016).

سرنگونی مرسی کشور را قطبی کرده است. رئیس‌جمهور عبدالفتاح السیسی، که در آن زمان وزیر دفاع مرسی بود، بر این باور است که اخوان المسلمین باید سرنگون شود و تمام تلاش خود را در از بین بردن هرگونه اثر از این گروه به‌کاربرده است. اما سرکوب السیسی گسترش‌یافته و شامل فعالان سکولار و چپ و همچنین مدافعان حقوق بشر نیز شده است. جو استورک، معاون خاورمیانه و شمال آفریقا سازمان دیده بان حقوق بشر گفته است: مصر در حال تجربه سرکوب‌هایی است که در دهه‌های گذشته بی‌سابقه بوده است. السیسی مصونیت کامل را برای اقدامات مخرب نیروهای امنیتی فراهم کرده است و حقوق مدنی و سیاسی به‌شدت تضعیف شده است. (Cunningham & Habib, 2015). به نظر می‌رسد مصونیت السیسی برای دست زدن به چنین اقداماتی بیشتر از جانب آمریکا و کشورهای اروپایی است. چراکه آن‌ها با تائید رژیم السیسی و خصوصاً آمریکا با ادامه حمایت‌ها و کمک‌های مالی و اقتصادی به السیسی و اقدامات وی مشروعیت می‌بخشد. در ادامه به رویکرد متناقض و دوگانه آمریکا نسبت به مسائل حقوق بشری و دموکراسی در مصر می‌پردازیم.

### رویکرد متضاد و دوگانه آمریکا

در حالی که کشورهای غربی خصوصاً آمریکا همواره مسائل حقوق بشری را در روابط خود با کشورهای جهان سوم مورد توجه قرار می‌دهند و بارها متعهد به رعایت مسائل حقوق بشری در رابطه با کشورهای جهان سوم شده‌اند اما نسبت به اقدامات ضد حقوق بشری السیسی، فضای بسته برای جامعه مدنی سکوت پیشه کرده‌اند و مصونیتی را برای اقدامات ضد بشری السیسی فراهم کرده‌اند.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر بارها نسبت به کشورهای اروپایی و آمریکا به جهت حمایت از السیسی با وجود نقض حقوق بشر در این کشور انتقاد کرده است. این سازمان از سران کشورهای غربی خواسته تا در سیاست‌های خود در قبال مصر تجدیدنظر کنند. در گزارش این سازمان آمده است که دولت السیسی طوری عمل می‌کند که گویی حفظ ثبات مصر نیازمند سرکوب افراد است. اما چیزی که در این میان شرایط را بدتر می‌کند، حمایت کشورهای غربی

از ادامه روابط با مصر است (HRW, 2015). در واقع به نظر می‌رسد کشورهای غربی می‌خواهند به اشتباهاتی که در دوران حسنی مبارک مرتکب شده‌اند، ادامه دهند. مقامات اروپایی و آمریکایی تنها به ابراز نگرانی از وضعیت حقوق بشری اکتفا می‌کنند و هیچ اقدام عملی در این راستا انجام نمی‌دهند.

البته برخی تحلیل‌گران نیز بر این باورند که تلاش ایالات متحده برای تحمیل سیاست‌های حقوق بشرانه و دموکراتیک در مصر نتیجه‌ای ندارد و احتمالاً منجر به مقاومت از سوی مقامات مصری خواهد شد. در حقیقت یکی از نکات ثابت در تاریخ آشفته اخیر مصر چه در زمان مبارک، چه دولت تحت شورای عالی نیروهای مسلح، چه در دوران مرسی و السیسی گرایش‌هایی به بیگانه‌هراسی، توسل به خشونت و خصومت، ملی‌گرایی افراطی بوده است. هر انتقادی با نگاهی منفی به دخالت خارجی تعبیر می‌شود و اگر دولت مصر بیش از این احساس فشار از سوی آمریکا بکند به دنبال نیروهای جایگزینی خواهد بود که محدودیت‌های کمتری بر رفتار مصر تحمیل کنند (Alterman, 2016: 16). در این زمینه روسیه با توجه به نقش فعالی که در دوران پوتین در خاورمیانه بازی کرده است و همچنین پس از حضور مستقیم روسیه در سوریه و تلاش پوتین برای ادامه این حضور و احیای روابط با کشورهای خاورمیانه به‌ویژه مصر با توجه به موقعیت ویژه و دسترسی آن به دریای مدیترانه، می‌تواند جایگزینی برای آمریکا باشد و نقش حمایتی برای رژیم السیسی ایفا کند. السیسی از طریق افزایش روابط تجاری و خصوصاً انعقاد قراردادهای تسلیحاتی با روسیه و حمایت از اقدامات روسیه در سوریه به تحریک آمریکا و سیاست‌های آنان پرداخته است.

بنابراین هرچند زمانی که اوباما در سال ۲۰۰۸ به ریاست جمهوری آمریکا رسید، با سیاست سابق کاخ سفید مبنی بر حمایت از رژیم‌های غیر دموکراتیک، فاسد و اقتدارگرایی که از شرکای استراتژیک ایالات متحده هستند مخالفت کرد و بهار عربی در سال ۲۰۱۱ نیز این امیدواری را به وجود آورد که دموکراسی به سرزمین خاورمیانه نزدیک شده است. اما تحولات پس از آن ثابت کرد که راه دموکراسی در این منطقه بسیار دشوار است، چراکه رویدادها و تحولات در مصر، سوریه، لیبی و یمن اوباما را به وادار به عقب‌نشینی از سیاست قبلی خود که فاصله گرفتن از رژیم‌های اقتدارگرا بود، کرد (Shamoo, 2016). در واقع قیام‌های عربی سال ۲۰۱۱ تنها احساس تهدید نسبت به موجودیت را بین دولت‌های خاورمیانه به‌شدت افزایش



داده است به گونه‌ای که از هرگونه تغییر و اصلاح هراس دارند و به شدت احساس آسیب‌پذیری می‌کنند.

بر همین اساس مقامات مصری در حال حاضر ایجاد روندهای دموکراتیک و باز شدن فضای سیاسی را به مثابه یک اقدام انتحاری برای مصر می‌پندارند. آن‌ها هشدار می‌دهند که باز شدن فضای سیاسی اخوان المسلمین را مجدداً به عرصه سیاست بازمی‌گرداند، همچنین آن‌ها معتقدند که سیاست بازتر، عرصه را برای نیروهایی فراهم می‌کند که لیبی و سوریه را از هم پاشیدند، این نه تنها در راستای منافع مصر نیست بلکه در تضاد با منافع ایالات متحده نیز است. درس‌هایی که رهبران مصر از بهار عربی سال ۲۰۱۱ گرفتند آن است که مصالحه سیاسی نابخردانه است و تنها راه پیش روی این است که پایدار باشیم. بن علی در تونس و مبارک در مصر سعی داشتند با مخالفان خود مصالحه کنند که نتیجه آن سرنگونی بود، خانواده خلیفه در بحرین و اسد در سوریه مقاومت و اعتراض‌ها را سرکوب کردند که نتیجه آن ادامه حکومتشان بود (Alterman, 2016: 15).

ایالات متحده به طور کلی یک نیروی بزرگ برای ترویج دموکراسی در سراسر جهان بوده است. در مورد مصر نیز اواما شعار حمایت از دموکراسی را داد بود و بارها در سخنانش از دموکراسی خواهی مردم و جوانان مصر دفاع کرده بود، اما تأیید کودتای نظامی در مصر چندان تعجب برانگیز نبوده است چراکه پشتیبانی آمریکا از دموکراسی هرگز پایدار و استوار نبوده است. ایالات متحده در قرن بیستم از بسیاری از دولت‌های دیکتاتور دوست حمایت کرده و حتی دولت‌های منتخب دموکراتیک را سرنگون کرده و یا کودتایی علیه آن‌ها شکل داده است مانند کودتا و برکناری مصدق در ایران و آرنبنز<sup>۱</sup> در گواتمالا<sup>۲</sup> در زمان آیزنهاور و همین‌طور برکناری آلنده<sup>۳</sup> از قدرت در شیلی در زمان نیکسون. لذا لزوم حفظ منافع آمریکا در مصر و حفظ ثبات و آرامش در منطقه علت اصلی عقب‌گرد آمریکایی‌ها از پایبندی به دموکراسی سازی و ارزش‌های لیبرالی با مصر شد. اتخاذ سیاست دوگانه آمریکا در قبال مصر از منظر واقع‌گرایی قابل توجیه است چراکه هدف نهایی تمامی کشورها حفظ قدرت است و ایدئولوژی و اخلاق پوشش‌هایی برای پنهان کردن واقعیت سیاست قدرت هستند. بنابراین همان‌طور که والتر می‌گوید اگرچه

<sup>1</sup> Arbenz

<sup>2</sup> Guatemala

<sup>3</sup> Allende

کشورها در پی افزایش قدرت خود هستند، ولی مهم‌ترین هدف آن‌ها جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و بر هم خوردن موازنه قدرت به ضررشان است و آمریکا در این زمینه با توجه به سیاست فعال پوتین نگران از غلتیدن مصر در آغوش روسیه است.

بسیاری از اعضای کنگره معتقدند که حمایت از ارتش مصر، کمک به امنیت و موجودیت اسرائیل است. کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل به‌طور فعال در کنگره برای بازگرداندن کامل کمک‌های نظامی لابی کرد. با وجود اینکه دولت مرسی از معاهده کمپ دیوید پیروی کرد و اقدام خصمانه‌ای را علیه اسرائیل انجام نداد اما تنها حضور یک دولت اسلامی خوان المسلمین در مصر نگرانی‌هایی برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرده بود. برای رژیم صهیونیستی حضور یک دیکتاتوری نظامی که وحشیانه درصدد خاتمه دادن به اسلام‌گرایی است نه تنها قابل تحمل بلکه مطلوب است. بنابراین یکی دیگر از دلایل عقب‌نشینی آمریکا از دموکراسی سازی در مصر و سکوت در برابر کودتای السیسی ترجیح دادن نظامیان و ارتش بر اسلام‌گرایان است.

آمریکایی‌ها به بهای حفظ ثبات و امنیت، همیشه سیاست‌های دموکراسی سازی خود را قربانی کرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، آمریکایی‌ها همیشه با این چالش مواجه بوده‌اند که چطور بین اصل اساسی حفظ دموکراسی که شعار اصلی سیاست خارجی آن‌هاست و سیاست سنتی آمریکا که برقراری روابط خاص با اسرائیل و حفظ حکومت‌های محافظه‌کار و اقتدارگرایی عربی متحدشان در منطقه خاورمیانه است، تعادل ایجاد کنند (برزگر، ۱۳۸۹). این اقدامات آمریکا باعث کاهش مشروعیت آمریکا در بین مردم خاورمیانه شده است. کیهان برزگر در پژوهش‌های خود استراتژی آمریکا را در تحولات جدید این‌گونه بیان کرده است: "چالش فعلی آمریکا در منطقه برقراری تعادل بین ارزش‌ها و منافع خود است. انقلاب‌هایی در منطقه در حال جریان است و واشنگتن به دنبال سوارشدن بر این جریان‌ها است" (برزگر، ۱۳۹۰). وی بر این باور است که سیاست خارجی آمریکا سعی بر حکمرانی بر جهان دارد و بحث حکمرانی جهانی هدف نهایی لیبرالیسم غربی است، همچنین نیروهای ملی برآمده از خیزش‌های ملی و مردمی در نهایت به سمت غرب گرایش خواهند داشت. به اعتقاد وی چالش فعلی آمریکا برقراری تعادل بین ارزش‌ها و منافع خود در منطقه خاورمیانه است.

بنابراین به نظر می‌رسد که ایالات‌متحده خطای خود در حمایت از مبارک را مجدداً تکرار می‌کند. ایالات‌متحده باید با استفاده از تمام گزینه‌های خود - کمک نظامی، کمک‌های

اقتصادی، صندوق بین‌المللی پول و دیگر ابزارهای فشار بین‌المللی برای متقاعد کردن السیسی برای رعایت حقوق بشر و حرکت به سمت جامعه مدنی و گشایش در مورد مسائل سیاسی برای بازسازی امنیت و اقتصاد، استفاده کند. چراکه ادامه این روند تبعات بدی برای ملت مصر خواهد داشت. بی‌تردید سرکوب وحشیانه اسلام‌گرایان توسط نظامیان مصر نسل جدید تروریست‌ها را ایجاد می‌کند. اگرچه دولت مرسی هم از نیرویی نظامی علیه تظاهرکنندگان استفاده می‌کرد، اما در مقایسه با کشتار و حبس ده‌ها هزار تن از زمان کودتای نظامی السیسی با دوران خفقان قبلی قابل‌مقایسه نیست. تروریسم از زمان کودتا بیش از ۱۰ برابر در مقایسه با زمان مرسی تلفات داشته است. و تعجب‌آور نیست که تروریسم در حال افزایش است. سرکوب نظامی که صدها نفر ممکن است در یک محاکمه یک‌ساعته به مرگ محکوم شوند، بعضی از اسلام‌گرایان را به این باور رسانده است که تنها انتخاب آن‌ها کشته شدن یا کشتن است (Kagan, 2014).

### نتیجه‌گیری

سیاست خارجی آمریکا بهره‌برداری از کشور مصر در جهت منافع خود می‌باشد و رویکرد آمریکا دنبال کردن سیاستی دوگانه و همراه با تناقض بوده است؛ آمریکا از یک‌سو شعار دموکراسی خواهی می‌دهد از سوی دیگر به تائید دولت السیسی پرداخت چراکه اولویت اول وی تضمین ثبات و آرامش، حفظ پیمان صلح با اسرائیل و حفظ جایگاه خود در مصر است. روابط ایالات متحده و مصر باهدف حفظ ثبات منطقه، ادامه همکاری‌های نظامی، حفظ معاهده صلح بین مصر و اسرائیل ۱۹۷۹ و بهبود روابط دوجانبه است. مصر از جانب سیاست‌گذاران ایالات متحده به‌عنوان رهبر و عامل نفوذ در میان بسیاری از کشورهای عربی، آفریقایی، اسلامی و کشورهای جهان سوم دیده می‌شود. مصر نقش مهمی در آینده تحولات منطقه دارد و از این بابت مورد توجه آمریکا است، تغییر در معادلات قدرت مصر ممکن است منجر به بی‌ثباتی و بر هم خوردن وضع موجود منطقه و بالأخص تهدیدی برای امنیت رژیم صهیونیستی شود به همین دلیل آمریکا چاره‌ای جز کاهش فشارهای حقوق بشری بر رژیم السیسی نداشته و ناچار به مدارا با ارتش و دولت السیسی است. همچنین نگاه کلی به مباحث مطرح‌شده درباره واقع‌گرایی به این نتیجه رسیدیم که با توجه به دوره زمانی که این تحقیق را دربرمی‌گیرد، واقع‌گرایی تدافعی بخش اعظم دیدگاه‌های ما را تشکیل می‌دهد. چراکه به نظر می‌رسد این دیدگاه بر روابط آمریکا در مصر حاکم بوده است به‌طوری‌که آمریکا سعی کرده‌اند از طریق اتخاذ رویکرد تدافعی و در

تلاش برای بروز ندادن رفتارهای تهاجمی در عین اعتمادسازی امنیتی و کاهش نگرانی امنیتی رقیب به تلاش در جهت حفظ جایگاه خود ادامه دهد. خطر مهم و اساسی برای امنیت و منافع آمریکا پس از تحولات عربی بر هم خوردن نظم و از بین رفتن ثبات و امنیت بوده است. با در نظر گرفتن فعال شدن سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه و همین‌طور ظرفیت‌های نظامی روسیه، آمریکا گریزی جز تکیه بر واقع‌گرایی تدافعی برای مواجهه با اصلی‌ترین منبع خطر برای منافع خود نخواهد داشت.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- آهویی، مهدی (۱۳۹۵). «تحول پارادایم اتحادهای آمریکا در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و سوم.
- بابایی، غلامرضا (۱۳۷۴). تاریخ سیاسی ایران و خاورمیانه، تهران: رسا.
- پور احمدی، حسین و موسوی نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). «سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر از منظر رئالیسم لیبرالیسم و سازه‌نگاری»، پژوهش حقوق و سیاست، ویژه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل، بهار و تابستان، دوره ۸، شماره ۲۰.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۵۵-۷۷.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده‌های سیاست‌گذارانۀ پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- حسینی، سید محمد امین و ملانکه، سید حسین (۱۳۹۵). «علل شکست اخوان المسلمین در برپایی حکومتی با ثبات در مصر»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، بهار، دوره ۸، شماره ۲۶.
- حسینی، مختار و دیگران (۱۳۸۱). برآورد استراتژیک مصر، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- خدابخشی، لیلیا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نوواقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ۵، شماره ۳، صص ۲۱-۴۷.
- دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۶-۷۷.
- ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.

سپهری، یدالله؛ عباسی، مصیب و حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۱۹-۱۳۶.

طارمی، داوود و محمد علیپور، فریده (۱۳۹۹). «جایگاه ناتو در طراحی استراتژی آمریکا پس از جنگ سرد (با تاکید بر خاورمیانه)»، فصلنامه راهبرد سیاسی، بهار، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۴۱-۶۶.

قاسمی، علیرضا و تاج آبادی، حسین (۱۳۹۵). «رویکردهای امنیتی ایالات متحده در قبال جنبش های اجتماعی خاورمیانه»، دو فصلنامه بیداری اسلامی، شماره ۵، دوره ۳، بهار و تابستان.

قاسمی، مصطفی (۱۳۹۱) آشنایی با کشورهای جهان اسلام: مصر، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

قریب، حسین (۱۳۹۰). «مرزهای تداوم و تغییر در دکترین امنیت ملی اوباما»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم.

کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۹.

کبیری، ابوالحسن و کاویانی فر، پیمان (۱۳۹۸). «اولویت بندی تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از طریق آسیای مرکزی و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۱-۷۰.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۵). «اقدامات پیش دستانه و تصاعد مداخله گرایی در استراتژی امنیت ملی آمریکا»، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۸.

ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵). ژنرال و ژاندارم، تهران: مرکز اسناد.

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۰) «دکترین، امنیت، شاه، ترومن، آیزنهاور، کندی، نیکسون و کارتر»، مجله علوم سیاسی، شماره ۱۶.

هینه بوش، ریموند و احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰). سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمان قهرامان پور، تهران: دانشگاه امام صادق.

(ب) منابع انگلیسی

Al-akhbar (2012, August 20 Monday).doi:http://english.al-akhbar.com/node/11277

ALTERMAN, John (2016). Making choice the future of the us-egyption relationship. CENTER FOR STRATEGIC INTERNATIONAL WTUDIES.

- Alterman, John (2016). Making Choices THE FUTURE OF THE U.S.- EGYPTIAN RELATIONSHIP. Center for Strategic and International Studies (CSIS).
- Byman, Daniel & Moller, S (2016). The United States and the Middle East: Interests, Risks, and Costs. Oxford University Press.
- CAROTHERS, Thomas (2003, December). Democracy: Terrorism's Uncertain Antidote. CURRENT HISTORY.
- Cunningham, Erin & Habib, H (2015, June 13). The Washingtonpost. Retrieved from [https://www.washingtonpost.com/world/middle\\_east/in-egypt-activists-document-a-surge-of-forced-disappearances/2015/06/12/75274570-0dff-11e5-a0fe-dccfea4653ee\\_story.html?utm\\_term=.976d573bf023](https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/in-egypt-activists-document-a-surge-of-forced-disappearances/2015/06/12/75274570-0dff-11e5-a0fe-dccfea4653ee_story.html?utm_term=.976d573bf023)
- (2016). EGYPT 2016 HUMAN RIGHTS REPORT. Bureau of Democracy, United States Department of State. United States Department of State. doi:<https://www.state.gov/documents/organization/265706.pdf>
- El Deeb, S. (2011, November Friday 25). INDEPENDENT. Retrieved from <https://www.independent.co.uk/news/world/africa/egypt-new-pm-claims-more-powers-than-predecessor-6267871.html>
- GIOVANNI, Janine (2016, 05 05). Newsweek. Retrieved from <http://www.newsweek.com/2016/05/13/egypt-cairo-mubarak-sisi-455753.html>
- Handler, Shading (2013). International Politics; Classic and Contemporary. Los Angeles: SAGE.
- Hermann, C (1990). Changing Course: When Governments Choose to Redirect Foreign Policy. International Studies Quarterly 34, 1.
- HRW. (2015). Egypt: Year of Abuses Under al-Sisi. Human Right Watch. Retrieved from <https://www.hrw.org/news/2015/06/08/egypt-year-abuses-under-al-sisi>
- Holsti, K (1982). Why Nations Realign: Foreign Policy Restructuring in the Postwar World. London: Allen and Unwin.
- Kagan, Robert (2014, May 01). The Washingtonpost. Retrieved from [https://www.washingtonpost.com/opinions/robert-kagan-why-the-united-states-shouldnt-support-egypts-ruling-generals/2014/05/01/e7a7403e-d154-11e3-9e25-188ebe1fa93b\\_story.html?utm\\_term=.6628f2611aaa](https://www.washingtonpost.com/opinions/robert-kagan-why-the-united-states-shouldnt-support-egypts-ruling-generals/2014/05/01/e7a7403e-d154-11e3-9e25-188ebe1fa93b_story.html?utm_term=.6628f2611aaa)
- Kleistra, & Mayer (2011). "Stability and Flux in Foreign Affairs: Modelling Policy and Organizational change. Cooperation and Conflict, 4.
- Knott, S (2017). Miller Center. Retrieved from <https://millercenter.org/president/bush/foreign-affairs>

- L. Hahn, Peter (2007). Historical Dictionary of United States-Middle East Relations. Ohio State: Scarecrow Press. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=yeQIAAAAQBAJ>
- Mearsheimer, John & Walt, Stephen (2016). The Case for Offshore Balancing. Foreign Affairs.
- Sauter, Michael & Stebbins, Samuel (2017, March 05). Countries Buying the Most Weapons From the US Government. Retrieved from <http://247wallst.com/special-report/2017/02/24/countries-buying-the-most-weapons-from-the-us-government/>
- Shamoo, Adil (2016, 01 18). Huffingtonpost. Retrieved from [https://www.huffingtonpost.com/adil-e-shamoo/the-us-should-not-accompa\\_b\\_9010522.html](https://www.huffingtonpost.com/adil-e-shamoo/the-us-should-not-accompa_b_9010522.html)
- Sharp, Jeremy (2005, june 15). Egypt-United States Relations. Congressional Research Service.
- Sharp, Jeremy (2018, February 8). Egypt: Background and U.S. Relations. Congressional Research Service.
- The NewYoek Times (2009). The NewYoek Times. Retrieved from <http://www.nytimes.com/2009/06/04/us/politics/04obama.text.html>
- Sherwood-Randall, E (2006). ALLIANCES AND AMERICAN NATIONAL SECURITY. StrategicStudiesInstitute.
- Wahid Hanna, M & Katulis, B (2013). Preparing For a Strategic Shift on US policy toward Egypt. Center For American Progress.
- Washingtonpost. (2001, Sept 20 Thursday).
- Tristam, Pierre (2017, August 18). The U.S. and the Middle East Since 1945 to 2008. Retrieved from ThoughtCo: <https://www.thoughtco.com/us-and-middle-east-since-1945-2353681>
- USAID (2016). U.S. Overseas Loans and Grants, Obligations and Loan Authorizations. USAID.